



مقدمه

سخنان اهل بیت علیهم السلام در بردارنده خیر دنیا و آخرت است. سیره و سخن ایشان، هم ناظر به دنیا و سامان بخشیدن به امور این جهان می باشد و هم آخرت و آبادانی سرای دیگر در آن لحاظ شده است.

آموزه های به جای مانده از امام رضا علیه السلام همچون منشوری است با زوایای گوناگون که اخلاق، عرفان، اقتصاد، اجتماع و آنچه مورد نیاز انسانهاست و زمینه خوشبختی آنها را

در دنیا و آخرت فراهم می آورد، در آن می درخشد.

سخنان آن حضرت با در برداشتن دقیق ترین نکته های توحیدی و عرفانی، راهکارهای یک زندگی دنیوی ایده آل و شرافتمندانه را ارائه می کند. بر این اساس، سیره و سخن آن حضرت جامعیت تام داشته، بر قلّه کمال جای گرفته است. بنابراین شکی نیست که هر چه بیش تر با سیره آن حضرت آشنا شویم، و از زلال سخنان آن امام لبریز کردیم، به کمال انسانی خود نزدیک تر شده، دنیا و آخرت

سخن آن حضرت داریم. یکی از این حقوق مالی «خمس» و «زکات» است. **خمس؛ گره گشاه معنوی، و گشایشگر مادی**

بسیاری از آموزه‌های دینی، همراه با ثمره‌های معنوی، فواید مادی نیز دارند. نمونه‌ای از این آموزه‌ها «خمس» می‌باشد. پرداخت خمس افزون بر آنکه پالایش روح از زنگارها و پادشاهای معنوی را در پی دارد و به رضا و خشنودی خداوند می‌انجامد، در افزایش رزق و روزی و سامان دادن به اقتصاد انسانها نیز تأثیر به‌سزایی دارد. در این باره در حدیثی دلنشین از امام رضا علیه السلام می‌خوانیم:

«كَتَبَ رَجُلٌ مِنْ تَجَّارِ فَارِسَ مِنْ بَعْضِ مَوَالِي أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا علیه السلام يَسْأَلُهُ الْبَاذِنَ فِي الْخُمْسِ فَكَتَبَ إِلَيْهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ ضَمِنَ عَلَيَّ الْعَمَلَ الثَّوَابَ وَعَلَى الضَّيْقِ الْهَمَّ لَأَ يَحِلُّ مَالٌ إِلَّا مِنْ وَجْهِ أَحَلَّهُ اللَّهُ وَإِنَّ الْخُمْسَ عَوْنُنَا عَلَى دِينِنَا وَعَلَى عِيَالَاتِنَا وَعَلَى

خود را آبادتر خواهیم نمود. به امید رسیدن به قلّه چنین معرفتی و به برکت دعای چنین امامی.

ای شهی کز عدل و احسان بی قرینی شاهد حق قبله دنیا و دینی مقتدای خلق و خاص الخاص حقی مظهر آیات ربّ العالمینی چون در اقلیم رضا قطب زمانی تاج بخش جمله شاهان زمینی کشتی نوحی و امت را امامی خضر وقتی، سرسبحان را امینی اهل دل بر خوان جودت میهمانی اهل دانش خرمنت را خوشه چینی عارفان را رهبر اقلیم قدسی عاشقان را آیت آن نازنینی چشم الطاف و عنایت سوی ما کن ای که در لطف و کرامت بی قرینی^۱ در این مقال، در بُعد اقتصادی و در باب حقوق مالی که به عهده یک مسلمان است، گلگشتی در سیره و

۱. دیوان حکیم آیت الله الهی قمشاهی، به اهتمام و مقدمه: دکتر حسین الهی قمشاهی، تهران، روزنه، ۱۳۷۸، چاپ سوم، ص ۳۶۷ و ۳۶۸.

مَوَالِنَا وَمَا نَبَذَلُهُ وَنَشْتَرِي مِنْ أَعْرَاضِنَا
 مِمَّنْ نَخَافُ سَطْوَتَهُ فَلَا تَزْوُوهُ عَنَّا وَلَا
 تَحْرِمُوا أَنْفُسَكُمْ دُعَاءَنَا مَا قَدَرْتُمْ عَلَيْهِ فَإِنَّ
 إِخْرَاجَهُ مِفْتَاحُ رِزْقِكُمْ وَ تَمْحِصُ ذُنُوبِكُمْ وَ
 مَا تُمْهَدُونَ لِأَنْفُسِكُمْ لِيَوْمِ فَاقَتِكُمْ وَ الْمُسْلِمُ
 مَنْ يَتَّقِي لِلَّهِ بِمَا عَهَدَ إِلَيْهِ وَ لَيْسَ الْمُسْلِمُ
 مَنْ أَجَابَ بِاللِّسَانِ وَ خَالَفَ بِالْقَلْبِ وَ
 السَّلَامُ؛^۱ مردی از بزرگانان فارس که
 از پیروان امام رضا علیه السلام بود، به آن
 حضرت نامه‌ای نوشت و درباره
 خمس اجازه خواست. حضرت در
 پاسخ او نوشت: به نام خداوند
 بخشنده و مهربان. همانا خداوند،

دوستان ما، و وسیله بذل و بخشش ما
 و مایه حفظ آبروی ما از کسی که از
 او بیم داریم. آن را از ما دریغ ندارید
 و خود را تا آنجا که می‌توانید از
 دعای ما محروم نسازید. بدرستی که
 پرداخت خمس کلید روزی شما
 است، و مایه پاک شدن گناهان شما،
 و چیزی است که برای روز بینوایی
 خود آماده می‌کنید، و مسلمان کسی
 است که به عهدی که خدا با او کرده
 وفا کند؛ و مسلمان نیست آن کس که
 با زبان اجابت کند و در قلب مخالفت
 نماید. والسلام.»

وسعت دهنده و کریم است؛ در مورد
 عمل و کار ضامن ثواب می‌باشد و در
 تنگی، ضامن غم و اندوه. هیچ مالی
 حلال نیست جز از راهی که خدا آن
 را حلال کرده است، و همانا خمس
 کمک ماست بر دین، عیالات و

**زکات: عامل تعدیل ثروتها، و
 زدودن فقرها**

زکات، یکی از اصول اقتصادی،
 اعمال عبادی - اجتماعی بنیادین و
 مهم اسلام است. قرآن کریم زکات را
 همسنگ نماز دانسته و در بسیاری از
 آیاتی که در آن به نماز توصیه شده،
 نام زکات را نیز در کنار آن آورده
 است، که نمونه‌هایی از آن عبارتند از:

۱. اصول کافی، تفه الاسلام کلینی، ترجمه:

سیدجواد مصطفوی، تهران، دفتر نشر فرهنگ

پرداخت زکات موجب برکت مال، و سبب رافت و مهربانی نسبت به ناتوانان و عطف توجه به مسکینان و انگیزش مردمان به مساوات و تقویت فقرا و مدد رساندن به ایشان در انجام دادن تکالیف دینی است.^۳

«آنچه از مجموعه آیات و روایات رسیده درباره زکات و تشریح آن بدست می‌آید، این است که چنین قانونی در مهم‌ترین هدف خود، برای از بین بردن فقر و عوارض آن از عرصه‌های زندگی به صورتی فراگیر و چارچوب داراست، که در نتیجه، سیمای جامعه اسلامی از فقر به بی‌نیازی تحول یابد، و دیگر در آن بیچاره و نیازمندی مشاهده نشود، و همه، اهل ایمان و دارای عزت باشند. همچنین زکات وسیله عمده‌ای برای عادت دادن مردم به بخشیدن و انفاق است، تا آنجا که این امر بدان منجر

﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ...﴾؛^۱ «و نماز را بپا دارید و زکات را بپردازید.»
 ﴿الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾؛^۲ «آنها که نماز را بپا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و به آخرت یقین دارند.»
 امام رضا علیه السلام با اشاره به گره‌گشا بودن زکات در معضلات اقتصادی و نقش آن در فقرزدایی و تعدیل ثروتها و در مقام بیان علت تشریح زکات چنین می‌فرماید: «لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ كَلَّفَ أَهْلَ الصَّحَّةِ الْقِيَامَ بِشَأْنِ أَهْلِ الزَّمَانَةِ وَ الْبُلُوَى مَعَ مَا فِيهِ مِنَ الزِّيَادَةِ وَالرَّاقَةِ وَ الرَّحْمَةَ لِأَهْلِ الضَّعْفِ وَالْعَطْفَ عَلَى أَهْلِ الْمَسْكَنَةِ وَ الْحِثَّ لَهُمْ عَلَى الْمَسَاوَاةِ وَ تَقْوِيَةَ الْفُقَرَاءِ وَ الْمَعُونَةَ لَهُمْ عَلَى أَمْرِ الدِّينِ؛ چون خدا مردمان تندرست را مکلف کرده است تا به مردم زمین‌گیر و گرفتار رسیدگی کنند، [در ضمن]

۳. الحیاء، محمدرضا حکیمی، محمد حکیمی، علی حکیمی، ترجمه: احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰، چاپ اول، ج ۶، ص ۳۴۸.

۱. بقره/۴۳ و ۸۳ و ۱۱۰ و نور/۵۶ و مجادله/۱۳ و مزمل/۲۰.
 ۲. لقمان/۴.

«ولید» می گوید: «از حضرت رضا علیه السلام پرسیدم: سرورم! آیا در دارایی انسان جز زکات، حق دیگری نیز هست که باید بدهد؟ حضرت در پاسخ فرمود: آری، خدا می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ﴾^۲ و آنان که با آنچه که خدا به پیوند آن فرمان داده است، پیوند برقرار می سازند.»^۳

همچنین امام رضا علیه السلام فرمود: «سُئِلَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ! أَلْفِي الْمَالِ حَقٌّ سِوَى الزَّكَاةِ قَالَ نَعَمْ بِرَّ الرَّحِمِ إِذَا أَدْبَرْتَ وَصَلْتَهُ الْجَارِ الْمُسْلِمِ فَمَا أَقْرَبِي مَنْ بَاتَ شُبْعَانَ وَ جَارَهُ الْمُسْلِمِ جَائِعٌ؛ از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیده شد که: آیا در مال، حقی جز زکات هست؟ فرمود: آری، نیکی کردن به خویشاوندی که به او پشت کرده است، و به زندگی همسایه مسلمان رسیدگی کردن؛ هر کس با گرسنه بودن همسایه مسلمانش سیر

۲. رعد/۲۱.

۳. شیخ ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی، تفسیر مجمع البیان، تحقیق و نگارش: علی کرمی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰، ج ۷،

شود که در راه دین خدا از بذل جان خود و کسانش نیز مضایقه نکند. نباید از نظر دور داشت که میان قرب به خدا و عبادت او در نماز، و بخشیدن مال برای برانداختن فقر و بیچارگی از جامعه اسلامی، ارتباطی نیرومند و استوار وجود دارد؛ پس زندگی اسلامی زندگی ای است که اجزای آن از یکدیگر منفصل نمی باشد؛ از اینرو نماز با زکات قبول می شود، و زکات با نماز به درگاه خدا راه می یابد، و ایمان و یقین با پرداختن زکات شناخته می شود.»^۱

عدم انحصار حقوق مالی به خمس

و زکات

همان گونه که از آموزه های دینی استفاده می شود، حقوقی که در اموال انسانهاست، به خمس و زکات منحصر نمی شود، و جز اینها، حقوق دیگری نیز در اموال انسان وجود دارد که به حکم وجدان، انصاف و دگرگرایی، هر مسلمانی موظف به پرداخت آنها می باشد. شخصی به نام

بخواهد، به پیامبری من ایمان نیاورده است.»^۱

امام رضا علیه السلام در حدیثی به کسانی که از پرداختن حقوقی که در اموالشان است به تهی‌دستان و بینوایان، خودداری می‌ورزند، چنین هشدار داده است:

«إِنَّ صَاحِبَ النِّعْمَةِ عَلَى خَطَرٍ إِنَّهُ يَجِبُ عَلَيْهِ حَقُّوقُ اللَّهِ فِيهَا وَاللَّهُ إِنَّهُ لَتَكُونُ عَلَى النُّعْمِ مِنَ اللَّهِ عَزًّا وَجَلًّا فَمَا أَرَأَى مِنْهَا عَلَى وَجَلٍ - حَرَكٌ يَدُهُ - حَتَّى أَخْرَجَ مِنَ الْحَقُّوقِ الَّتِي تَجِبُ لِلَّهِ عَلَى فِيهَا؟»^۲

صاحب نعمت در خطر است؛ همانا که پرداختن حقوق خدا در آن نعمت بر او واجب است. به خدای سوگند که خداوند نعمتهایی به من می‌دهد؛ و من پیوسته در این باره بیمناکم - دستش را [به نشانه اظهار تأسف] تکان داد - تا آنگاه که از عهده حقوقی که خدا بر من واجب کرده است، درآیم.»

انگیزه‌های زراندوزی

زراندوزی و گردآوری بی حساب مال، یکی از عوامل ایجاد شکاف طبقاتی بین جامعه است. قرآن کریم به زراندوزانی که هرگز با پول خود انفاق نمی‌کنند و گره‌های اقتصادی مردم و جامعه را نمی‌کشایند وعده

عذابی دردناک داده و می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ * يَوْمَ يُخْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فُتُكُورٌ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنْزْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ﴾؛ «کسانی که زر و سیم را گنجینه کرده، آن را در راه خدا هزینه نمی‌کنند، ایشان را به عذابی دردناک بشارت ده، روزی که آن [گنجینه]ها را در آتش بگذارند، و پیشانی و پهلو و پشت آنان را با آنها داغ کنند [و گویند]: این است آنچه برای خود اندوختید؛ پس [کیفر] آنچه را می‌اندوختید، بچشید.»^۱

۱. الحیاء، ج ۶، ص ۳۸۶.

۲. همان، ص ۳۹۹.

۱. توبه/۳۴ و ۳۵.

این آفت را بررسی کرد. همین موضوع، معیار تمایز بنیادین میان تفکر اسلامی و دیگر مکاتب است، که از عامل اصلی در تمام مسائل؛ یعنی خود انسان و گرایشهای غافل نمی‌ماند.

خوی و خصلتهایی که در این حکمت رضوی علیه السلام یاد شده است نشان دهنده بی‌تعهدی و بی‌احساسی نسبت به محرومان و بینویان است، که زیر پا نهادن اصول عدالت اجتماعی را در پی خواهد داشت.

بی‌گمان مال اندوزی نکوهیده که انگیزه‌هایی شیطانی دارد، موجب درآمدهایی است که از راههای ظلم، استثمار، احتکار، تولید جنس بی‌کیفیت، غصب، رباخواری و مانند آنها به دست آمده، نه از راه تولید و سرمایه‌گذاریهای سازنده و کسبهای حلال.^۱

امام رضا علیه السلام در حدیثی زیبا به ریشه‌های زراندوزی و بررسی زراندوزان از منظر روان‌شناختی اشاره کرده، انگیزه‌های زراندوزی را چنین بیان می‌فرماید: «لَا يَجْتَمِعُ الْمَالُ إِلَّا بِخِصَالِ خَمْسٍ بِيْخُلْ شَدِيدٌ وَ أَمَلٌ طَوِيلٌ وَ حِرْصٌ غَالِبٌ وَ قَطِيعَةٌ الرَّجْمِ وَ إِثَارَةُ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ؛ مال جمع نمی‌شود مگر با پنج خصلت [و پنج انگیزه]: بخل شدید، آرزوی دراز، حرص غلبه‌کننده، قطع رحم، و مقدم داشتن دنیا بر آخرت.»^۱

پدیده شوم زراندوزی، از آفات روحی است که از خوی و خصلت، شیوه تفکر و اخلاق باطنی زشت سرچشمه می‌گیرد؛ از اینرو برای شناخت ماهیت این پدیده، حتی به عنوان موضوعی از موضوعات اقتصادی و مشکلی از مشکلات اجتماعی، باید به روان و باطن آدمیان توجه نمود، و انگیزه‌ها و علل درونی

۱. فرازهایی از سخنان امام رضا علیه السلام، محمد حکیمی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۸، چاپ اول، دفتر نخست، ص ۹۷ و ۹۸.

۱. الخصال، شیخ صدوق، ترجمه و توضیح: یعقوب جعفری، قم، اندیشه هادی، ۱۳۸۵، چاپ اول، ج ۱، ص ۴۱۱.